آینده تفکر استراتژیک

مقدمه

اگر یک مدیر یا رهبر سازمانی، بخواهد تاثیر گذار باشد، باید مهارت‌های مربوط به [تفکر](https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/7002/10/text?q=%D8%A7%D8%A8%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%AA%D9%81%DA%A9%D8%B1%20%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%AA%DA%98%DB%8C%DA%A9&rowNumber=1&score=11.0) استراتژیک خود را بهبود بخشد. در این مقاله به چیستی تفکر استراتژیک، اهمیت و آینده آن می‌پردازیم.

تفکر استراتژیک چیست؟

تفکر استراتژیک، فرآیندی است که طی آن، مدیر یا رهبر می آموزد که چگونه آرمان تجاری خود را به وسیله کار تیمی و طوفان فکری، تعریف نماید.

تفکر استراتژیک، در واقع ابزاری است که به مدیران سازمان‌ها کمک می‌کند تا با تغییرات روبرو شده و برای ایجاد تحول، برنامه ریزی نموده و فرصت‌های جدید را خلق نمایند.

اهمیت تفکر استراتژیک

اهمیت برنامه ریزی استراتژیک فقط در پیش بینی دقیق آینده نبوده، بلکه در پاسخگویی به آینده نیز می‌باشد و این موضوع نیز از طریق تفکر استراتژیک مستمر، امکان پذیر است.

تفکر استراتژیک به سازمان‌ها کمک می‌کند تا برنامه ریزی استراتژیک خود را به صورت مؤثری تدوین نمایند.



ترکیب فرایندهای تفکر استراتژیک، برنامه ریزی استراتژیک و اجرای برنامه، در ایجاد مزیت‌های رقابتی پایدار به سازمان‌ها کمک می کند.

در یک چارچوب کلی، تفکر استراتژیک، برنامه ریزی استراتژیک و اقدام استراتژیک مانند مغز، قلب و دست ها فرض می شوند .

بدین ترتیب، دست‌ها وظیفه اجرای استراتژی اقدام استراتژیک را برعهده داشته، قلب به دنبال جمع آوری و تخصیص منابع ( برنامه ریزی استراتژیک ) بوده و مغز ( تفکر استراتژیک ) وظيفه عملی ساختن برنامه ریزی استراتژیک با توجه به متغیرهای داخل و خارج سازمان را برعهده دارد.

در حقیقت، تفکر استراتژیک بر برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک تأثیر حیاتی دارد، چرا که شناخت متغیرهای فرصت‌ها و تهدیدات، نقاط قوت و ضعف و استراتژی های منتج از آنها تحت تأثیر قدرت فکر استراتژیست‌های یک سازمان بوده و از طرفی، اجرای استراتژی نیز بدون تفکر استراتژیک، بدرستی انجام نخواهد شد.

آینده تفکر استراتژیک

برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک، استراتژی‌های لازم برای رسیدن به اهدافی که در راستای مأموریت سازمان می‌باشند را تعیین می‌کنند ولی در اجرای این استراتژی‌ها وجود تفکر استراتژیک ضروری است.

بدون تفکر استراتژیک، تغییر ساختار، تغییر فرهنگ، حذف مقاومت کارکنان، تخصیص بهینه منابع، حل تعارضات و انگیزش کارکنان، بدرستی انجام نخواهد شد.

در حقیقت، لازمه تفکر استراتژیک، برخورداری از توانایی لازم برای تحلیل کلی سازمان و صنعت است و یکی از روش‌های توسعه تفکر استراتژیک، به کارگیری مدیران توانمندی است که بر روی چشم اندازهای مختلف سازمان، فکر می‌کنند.

برنامه ریزی استراتژیک، اجرای برنامه را تضمین نمی‌کند بلکه داشتن تفکر استراتژیک است که بر اجرای برنامه تأثیر حیاتی دارد.



با آموزش مدیران می‌توان به آنها برنامه ریزی استراتژیک را آموخت ولی برای اجرای برنامه، آموزش مدیران کافی نبوده و پرورش آنها در جهت ایجاد تفکر استراتژیک نیز ضروری است. Fred.R David می‌گوید که تفکر استراتژیک به معنی به کارگیری عقل سلیم در جهت بهبود یک سازمان است و این امر تنها از طریق آموزش مدیران، عملی نیست.

سخن آخر

تفکر استراتژیک عبارت است از فرآیند یادگیری و به مدیران می‌آموزد که: با توجه به قابلیت‌های اصلی سازمان، مزیت‌های رقابتی پایداری را توسعه دهند.

فرصت‌های جدید را شناسایی و از آنها استفاده نمایند و چارچوبی را برای بررسی مستمر سازمان و محیط آن ایجاد نمایند.